

مسئولیت بین‌المللی اشتقاقی دولت‌های حامی رژیم بعث عراق در جنگ تحمیلی علیه ایران^۱

مسعود اخوان‌فرد^۲؛ ایمان دهقانی دهج^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۳/۱۴

چکیده: اصولاً، هر دولتی تنها مسئول اعمال متخلفانه خویش می‌باشد، با این حال در حقوق بین‌الملل نیز مانند حقوق داخلی، معاونت و همکاری در عمل متخلفانه دولت دیگر می‌تواند موجبات مسئولیت یک دولت را به همراه داشته باشد. از جمله مهم‌ترین تعهدات دولت‌ها در قبال مناصات مسلحانه، لزوم حفظ بی‌طرفی است. باید اذعان داشت در طول جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، تعدادی از کشورها در این عمل متخلفانه به رژیم بعث عراق یاری رساندند. این همکاری‌ها شامل سربازگیری و اعزام نیرو، آموزش نیروها با اهداف نظامی، اعطای جنگ‌افزارهای نظامی مختلف، بازگذاشتن مرزها، واگذاری بخشی از خاک برای احداث پایگاه‌های نظامی، اعطای کمک‌های مالی نقدی و غیرنقدی، همکاری‌های فنی و تکنولوژیکی و همچنین مساعدت اطلاعاتی از جمله جمع‌آوری اخبار و اطلاعات به نفع رژیم متخاصم عراق و به ضرر کشور جمهوری اسلامی ایران است. واکاوی و تأمل در سه رکن قانونی، مادی و معنوی به‌عنوان ارکان ایجاد مسئولیت اشتقاقی کشورهای حامی رژیم بعث عراق، حاکی از آن است که کشورهای مزبور از منظر قواعد و مقررات بین‌الملل مسئول شناخته شده و قابل تعقیب خواهند بود.

واژگان اصلی: مسئولیت اشتقاقی، مباشرت، معاونت، جنگ تحمیلی، جبران خسارت.

۱- پژوهش حاضر به دست‌آمده از طرح پژوهشی «مسئولیت مدنی کشورهای حامی رژیم بعث عراق در ورود خسارات ناشی از جنگ تحمیلی» می‌باشد که در پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس به انجام رسیده است.

۲- مدیر گروه حقوق پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس

۳- دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه قم و نویسنده مسئول (رایانامه: deghani.iman@gmail.com)

مقدمه

یکی از اصول مسلم حقوق بین‌الملل، مسئولیت هر دولت بابت اعمال متخلفانه‌ای است که به آن دولت قابل انتساب می‌باشد (Crawford, 2013: 395). از طرف دیگر مدت‌زمان زیادی است که دیگر نقض تعهدات بین‌المللی به صورت تک‌بُعدی مدنظر نمی‌باشد، بلکه در غالب موارد، نقض این تعهدات با همکاری دو یا چند دولت صورت می‌گیرد (عزیزی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۱۰). در طول جنگ تحمیلی، کشورهای زیادی به دولت عراق (حزب بعث) کمک کرده و در ورود خسارات به کشور ایران دخیل بوده‌اند. در حقیقت اگرچه در ابتدای جنگ تحمیلی، بسیاری از کشورها بر طبل بی‌طرفی می‌کوبیدند، با این حال در ادامه به یاری دولت عراق شتافتند، از جمله دولت آلمان که به فروش تسلیحات شیمیایی به حزب بعث اقدام نمود، همچنین کشورهایی مانند آمریکا و انگلیس که در تجهیز دولت عراق به انواع جنگ‌افزارهای مختلف، نقش شایانی ایفا نموده‌اند.^۱ سؤال پژوهش حاضر این است که در حقوق داخلی و از منظر قواعد مسئولیت مدنی، تمامی کسانی که به‌طور مستقیم (مباشر) و غیرمستقیم (سبب) منجر به ورود خسارت مالی و معنوی به دیگری بشوند؛ ملزم به جبران هستند. اما از منظر حقوق بین‌الملل وضعیت به چه صورت برقرار شده است؟ اساساً معاونت و همکاری کشورهای ثالث به کشور مباشر در ارتکاب یک فعل متخلفانه بین‌المللی و ورود خسارت به کشور دیگر چه پیامدهایی را به دنبال دارد؟

با توجه به این‌که رژیم بعث عراق، مرتکب فعل متخلفانه بین‌المللی یعنی آغازگر جنگ و به تعبیر دیگر متجاوز شناخته شده است در مسئولیت خود رژیم صدام (حزب بعث) تردیدی وجود ندارد، اما تحت‌لوای چه شرایط و مقرراتی می‌توان کشورهای حامی حزب بعث در طول جنگ تحمیلی را مسئول جبران خسارات ناشی از اعمال خود دانست؟ شکی نیست که با توجه به حجم عظیم خساراتی که از جنگ تحمیلی و در طول دوران هشت ساله دفاع مقدس به کشور ایران وارد شده است^۲، بررسی چگونگی مسئولیت کشورهایی که در جنگ تحمیلی به

1- Us and British Support for Hussein Regime, <https://www.globalpolicy.org>. December 1983.

۲- بنابر اسناد و مدارک مسلم، خسارات جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه ایران، چیزی حدود ۱۰۰۰ میلیارد دلار برآورد شده است.

رژیم بعث عراق یاری رسانده‌اند، می‌تواند از اهمیت زیادی برخوردار باشد. لذا در پژوهش حاضر ابتدا برخی از مفاهیم تحقیق بیان می‌گردد، پس از آن، ذیل ارکان مسئولیت بین‌المللی اشتقاقی، یکی از مهم‌ترین اشکال آن یعنی مسئولیت ناشی از کمک یا مساعدت سه رکن مادی، معنوی و قانونی مسئولیت کشورهای حامی حزب بعث مورد تحلیل و واکاوی قرار خواهد گرفت.

مبانی نظری و پیشینه‌شناسی پژوهش

مسئولیت مدنی^۱

مسئولیت در لغت به معنای «آنچه که انسان عهده‌دار و مسئول آن می‌باشد، از وظایف و اعمال و افعال بیان گردیده است» (عمید، ۱۳۷۴: ۱۰۸۲)، هم‌چنین به معنای «مسئول بودن، موظف بودن به انجام امری» بیان شده است (معین، ۱۳۷۵: ۴۰۷۶). مفهوم مسئولیت مدنی به گونه‌های مختلفی بیان شده است. از دیدگاه برخی نویسندگان، مسئولیت مدنی، الزام به پرداخت خسارت است (Reed, 2011: 589). در تعبیری دیگر هر جا که شخصی در برابر دیگری مسئول جبران خسارتی باشد در آن‌جا مسئولیت مدنی وجود دارد، علی‌هذا، مسئولیت مدنی شامل مسئولیت قراردادی و مسئولیت خارج از قرارداد نیز می‌شود (بهرامی‌احمدی، ۱۳۸۸: ۲۸). بنابراین می‌توان گفت در بطن مسئولیت مدنی، نوعی عدالت برای قربانیان یک خسونت و یا یک قدرت نهفته است (Shiner and Williams, 2008: 44).

مسئولیت دولت

مسئولیت مدنی دولت عبارت است از: «الزام دولت است نسبت به طرف زیان‌دیده». اما باید این نکته را در نظر داشت که دولت وجودی حقیقی نیست، بلکه دارای شخصیت حقوقی است متشکل از افرادی که با دراختیار داشتن اموال و امکانات فراوان و بهره‌مندی از اقتداری ویژه جهت نیل به اهدافی خاص تلاش می‌نمایند (زرگوش، ۱۳۸۹: ۴۶). توجه به نقش مسئولیت مدنی دولت هم در حقوق داخلی کشورها و هم در عرصه بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته است. در واقع، در جامعه بین‌الملل نیز همانند حقوق داخلی، تعدی هر عضو جامعه بین‌الملل به منافع حقوقی عضو دیگر، موجب مسئولیت او خواهد شد. باید توجه داشت که

1- Civil Responsibility.

مسئولیت بین‌المللی معمولاً به دولت به‌عنوان «مهم‌ترین شخص حقوق بین‌الملل» مربوط می‌شود هر چند نمی‌توان آن را از دیگر اشخاص حقوق بین‌الملل یعنی سازمان‌های بین‌المللی و در بعضی موارد افراد، مطلقاً جدا نمود (مستقیمی و همکاران، ۱۳۷۷: ۱۱).

مسئولیت بین‌المللی اشتقاقی^۱

مسئولیت بین‌المللی اشتقاقی همان چیزی است که در حقوق داخلی از آن به مسئولیت ناشی از عمل دیگری یاد می‌شود. طرح ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل به‌رغم آنکه با پرداختن به مسئولیت مستقل^۲، سخن از مسئولیت مباشر عمل متخلفانه بین‌المللی به میان می‌آورد، از مسئولیت دولت یا دولت‌هایی که به نحوی از انحا در ایفای آن نقش داشته‌اند هم غافل نمانده است. طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل ۲۰۰۱، درخصوص مسئولیت بین‌المللی دولت، سخن از مسئولیت اشتقاقی نموده است و انتساب اعمال به یک دولت را مانع از انتساب همان عمل به دولت دیگر نمی‌داند (ستایش‌پور و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۴۶). مسئولیت بین‌المللی اشتقاقی حالتی را بیان می‌دارد که بیش از یک دولت در ارتکاب فعل متخلفانه بین‌المللی نقش داشته‌اند، به بیان دیگر بیش از یک دولت مرتکب یک خطای بین‌المللی شده باشند (Gal or et al., 2015: 58). مسئولیت مذکور استثنایی بر اصل مسئولیت مستقل بیان شده است (Crawford, 2002: 147). برخی از نویسندگان نیز از تعبیر مسئولیت مشترک^۳ استفاده نموده‌اند. بدین معنا که کشوری که با کشور دیگر در انجام یک فعل متخلفانه (خطا) بین‌المللی همکاری می‌کند، در این خصوص مشترکاً مسئول خواهند بود (Nollkaemper et al., 2014: 134). تئوری همدستی (مشارکت)^۴ در انجام یک فعل خطا نیز همین معنا را می‌رساند (Jakson, 2015: 10). باید بیان کرد یکی از مهم‌ترین و شایع‌ترین اشکال مسئولیت اشتقاقی، مسئولیت اشتقاقی ناشی از کمک یا مساعدت به دولت دیگری است (Aust, 2011: 193). در ادامه بحث، قابلیت انتساب این قسم از مسئولیت (مسئولیت

1- Derived International Responsibility.

2- Independent Responsibility.

3- Shared Responsibility.

4- Theory of Complicity.

اشتقاقی ناشی از کمک یا مساعدت) به دولت‌های حامی رژیم بعث عراق در جنگ تحمیلی، مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد.

ارکان مسئولیت اشتقاقی دولت‌های حامی رژیم بعث عراق

۱- رکن مادی

اولین رکن از ارکان ایجاد مسئولیت دولت‌های حامی رژیم بعث عراق در جنگ تحمیلی، رکن مادی می‌باشد. مقصود از رکن مادی، کمک و مساعدت دولت‌های حامی به کشور متجاوز است. ماده ۱۶ کمیسیون حقوق بین‌الملل ۲۰۰۱ اگرچه به کمک یا مساعدت اشاره نموده، اما تعریفی از آن را ارائه نداده است^۱ (ابراهیم گل، ۱۳۹۴: ۱۱۴). همان‌طور که سایر نویسندگان بیان کرده‌اند هر نوع عملی که زمینه ارتکاب تخلف را تسهیل نماید کمک و مساعدت به حساب می‌آید (Jackson, 2015: 124)، ضمناً هیچ‌گونه محدودیتی در نوع کمک یا مساعدت وجود نخواهد داشت (Crawford, 2013: 402). بدیهی است برخلاف مباشرت که مستلزم دخالت و ارتکاب مستقیم فعل متخلفانه است، در معاونت به شکل کمک یا مساعدت، دولت متخلف صرفاً نقش حامی و پشتیبان را ایفا می‌نماید (عزیزی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۱۳). در طول جنگ تحمیلی رکن مادی مسئولیت اشتقاقی کشورهای حامی رژیم بعث عراق به اشکال گوناگونی پدیدار گشته است که بدین صورت بیان می‌گردد:

۱-۱- جذب نیرو به نفع دولت متجاوز

از جمله اشکال کمک و مساعدت به یک فعل متخلفانه بین‌المللی، جذب نیرو و به تعبیر دیگر سربازگیری به نفع آن می‌باشد. یکی از مباحثی که در حقوق مخاصمات مسلحانه از قدیم‌الایام همواره مورد بحث بوده است؛ شرکت بیگانگان در داخل ارتش نیروهای دولت متخاصم می‌باشد. برای مثال از منظر تاریخی، کشور فرانسه در طول تاریخ خود به صورت‌های گوناگون خدمت داوطلبانه بیگانگان را پذیرفته است. با گذشت زمان و پیرو انتقاداتی که

۱- ماده ۱۶ کمیسیون حقوق بین‌الملل ۲۰۰۱ بیان می‌دارد «دولتی که در ارتکاب فعل متخلفانه بین‌المللی توسط دولت دیگر به او مساعدت یا کمک می‌کند در صورت وجود شرایط زیر مسئولیت بین‌المللی دارد: ۱- آن دولت با آگاهی از شرایط فعل متخلفانه بین‌المللی به این کار اقدام کند؛ ۲- فعل مزبور اگر توسط خود آن دولت هم ارتکاب می‌یافت فعل متخلفانه بین‌المللی محسوب می‌شد».

به عمل آمد، بسیاری از کشورها این عمل را به موجب قوانین داخلی خود ممنوع کرده‌اند که از آن جمله می‌توان قانون بریتانیا مورخ ۱۸۱۹ و ۱۸۷۰، قانون سوئیس ۳۰ ژوئن ۱۸۵۹، تصمیم دولت فرانسه در ۶ مه ۱۸۷۷ به هنگام جنگ بین روسیه و ترکیه، بیانیه بی‌طرفی صادره از طرف دولت بریتانیا در ۲۳ آوریل ۱۸۹۸، همچنین اعلامیه بی‌طرفی فرانسه صادره در ۲۷ آوریل ۱۸۹۸ به هنگام جنگ اسپانیا و آمریکا اشاره نمود^۱ (روسو، ۱۳۶۹: ۸۶).

از منظر قواعد بین‌المللی، کنوانسیون پنجم لاهه مصوب ۱۹۰۷ در مورد حقوق و وظیفه دولت‌ها و افراد بی‌طرف در جنگ زمینی، در ماده ۴ «دولت‌های بی‌طرف را از سربازگیری به نفع متخاصمان منع می‌کند. مانند این که گروه‌های رزمنده تشکیل دهند یا دفاتر سربازگیری در سرزمین خود دایر نمایند». به عبارت دیگر دولت بی‌طرف نباید با تأمین نیروی انسانی مورد نیاز دولت متخاصم، در جنگ علیه دولت دیگر همکاری نماید. باید بیان کرد در طول جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه ایران، کشورهای زیادی مانند اردن، مصر، سودان و... نیروی نظامی زیادی در اختیار این رژیم قرار دادند؛ اگرچه تعداد دقیق این افراد مشخص نمی‌باشد اما صحت ادعای ایران مبنی بر حضور نیروهای بیگانه در ارتش رژیم بعث عراق و شرکت آن‌ها در جنگ به لحاظ وجود افراد نظامی تأیید شد که در جنگ به اسارت نیروهای ایرانی درآمده بودند (زمانی، ۱۳۸۰: ۵۸).

نکته‌ای که در این خصوص وجود دارد آن است برخی از بزرگان حقوق بین‌الملل معتقدند: «شرکت داوطلب در یک جنگ بین‌المللی به‌طورکلی خلاف اصل بی‌طرفی محسوب نمی‌شود، مگر آن‌که دولت بی‌طرف رأساً در سرزمین خود سازمان‌دهی داوطلبان را برعهده گرفته باشد» (روسو، ۱۳۶۹: ۸۶). این عقیده را می‌توان از ماده ۵ کنوانسیون پنجم لاهه نیز که مقرر می‌دارد: «دولت بی‌طرف موظف نیست اقدامات شخصی اتباع خود را منع کند و چنانچه افرادی از اتباع او شخصاً از مرز عبور کرده به خدمت دولت متخاصمی درآیند مسئولیتی متوجه او نیست» برداشت نمود. در جریان جنگ بین دو کره (سال‌های ۱۹۵۰ الی ۱۹۵۳)، کشور چین نیز نیروهای چینی را که از طرف و به نفع کره شمالی می‌جنگیدند داوطلبانی قلمداد کرده بود

۱- در پاسخ به این سؤال که آیا می‌توان در زمان جنگ، خدمت نظام وظیفه را بر خارجیان تحمیل نمود، به نظر می‌رسد با توجه اعتراض اکثر کشورها در حوزه عملی، پاسخ منفی بیشتر قابل دفاع می‌باشد (روسو، ۱۳۶۹: ۸۶).

که به صورت انفرادی از مرز چین عبور کرده بودند (زمانی، ۱۳۸۰: ۵۹)، اما در مقابل برخی دیگر از نویسندگان بیان داشته‌اند هنگامی که تجاوز محرز باشد دولت‌ها مکلفند از پیوستن نیروهای داوطلب خود به دولت متجاوز جلوگیری نمایند (Brownlie, 1956: 579). در پیروی از این عقیده نیز بیان شده است کشور بی‌طرف باید همواره با اخذ تدابیر لازم از جمله وضع قوانین و نظامات و گرفتن تصمیمات احتیاطی و تعیین مجازات برای متخلفین و خودداری از دادن گذرنامه به اتباع کشور خود به قصد ورود در خاک متخاصمین و غیره از این کار جلوگیری نماید تا در نتیجه موجبات سوءظن طرفین را نسبت به خود فراهم نیابد (اخوی، ۱۳۱۸: ۱۹۶).

به هر حال کشورهای بی‌طرف می‌توانند با وضع قوانین داخلی و به قید مجازات، اتباع خود را از پیوستن به صفوف دول متخاصم منع نمایند، اما در خصوص این‌که بتوان در فرض داوطلبانه بودن، دولت متبوع وی را مسئول تلقی کرد، قضیه مبهم خواهد بود. در حقیقت شاید بخش عمده کار به دشواری احراز آن برمی‌گردد، برای مثال در حالتی که یکی از اتباع به بهانه مسافرت، قصد خروج از کشور را دارد و بعد از آن از کشور ثالثی به یکی از طرفین متخاصم می‌پیوندد، ثابت دانستن مسئولیت دولت متبوع وی چندان منطقی نمی‌باشد. از طرف دیگر ممنوعیت مطلق ورود و خروج نیز به دلیل مخالفت با اصل آزادی رفت‌وآمد^۱ قابل قبول نمی‌باشد.^۲

علی‌رغم همه مباحث موجود، در خصوص جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه ایران باید بیان کرد که نشانه‌های بسیاری زیادی وجود دارد که این نیروها با خیل عظیم سازمان‌دهی شده و به عراق اعزام می‌شدند؛ امری که هیچ‌گونه تردیدی در وجود مسئولیت بین‌المللی اشتقاقی این کشورها باقی نمی‌گذارد. برای مثال از جمله کشورهایی که در این زمینه نقش مهمی را ایفا نمود، دولت مصر بود. نیاز شدید رژیم بعث عراق به نیروهای انسانی به قدری بود که اتباع مصری بدون انجام هرگونه تشریفات ویزا و امور گمرکی می‌توانستند وارد عراق شوند (دفتر سیاسی سپاه پاسداران، ۱۳۶۷: ۲۲). «حسنی مبارک» در یک مصاحبه ضمن هشدار درباره

1- Freedom to Travel.

2- Article 13 of Universal Human Right 1948 «Everyone has the right to freedom of movement and residence within the borders of each state»

احتمال پیروزی ایران در جنگ اظهار داشت: «همه اعراب باید در مقابل ایران موضع واحدی اتخاذ نمایند».

۲-۱- آموزش و سازماندهی نیروهای کشور متجاوز

یکی دیگر از اشکال کمک و مساعدت (رکن مادی) در ارتکاب فعل متخلفانه بین‌المللی، آموزش و سازماندهی نیروهای کشور متجاوز است. دولت بی‌طرف همواره ملزم است به وظیفه «خودداری» پایبند باشد. بر اساس این وظیفه و مستفاد از مواد ۵ الی ۸ کنوانسیون پنجم ۱۹۰۷ و ماده ۶ کنوانسیون سیزدهم ۱۹۰۷ لاهه «خودداری کردن بدان معناست که دولت بی‌طرف حق ارایه هیچ‌گونه کمکی به هر یک از طرف‌های مخاصمه را ندارد» (زمانی، ۱۳۸۰: ۳۵). این درحالی است که در جنگ تحمیلی، بسیاری از کشورها، وظیفه مزبور را نادیده گرفته و حزب بعث را یاری رسانده‌اند. برای مثال یکی از اهداف اصلی رژیم بعث عراق، حمله به تأسیسات نفتی ایران در حوزه خلیج فارس به‌ویژه جزیره خارک بود. در این راستا، دولت فرانسه اجازه داد تا خلبان‌های عراقی به‌طور کاملاً محرمانه در یک پایگاه هوایی در حوالی شهر برنت آموزش ببینند. این اقدام دولت فرانسه با اعتراض شدید دولت ایران و تهدید به بستن تنگه هرمز همراه بود^۱ (ربیعی، ۱۳۸۸: ۷۹).

مصر از دیگر کشورهایی بود که در زمینه آموزش و تجهیز نیروهای متجاوز عراقی بسیاری کمک کرده بود. در واقع، براساس تصمیمات دولت «حسنى مبارک»، تعداد کثیری مستشار و متخصص نظامی و زبده در امور جنگی وارد عراق شده بودند و به‌طور مستمر به تعلیم نیروهای عراقی می‌پرداختند (احمدزاده، ۱۳۸۲: ۵۴). کنت آر تیمرمن در کتاب خود با عنوان «سوداگری مرگ» در مورد روابط نظامی و کمک‌های عراق می‌نویسد: «سالیانه سی تا چهل خلبان در پایگاه‌های هوایی بریتانیا و شرکت‌های خصوصی نظیر سی.اس.اس آموزش دیده می‌شوند و انگلیس نمی‌گذارد فرانسه طرف همه معاملات با عراق شود (تیمرمن، ۱۳۹۵: ۴۶۴).

۱- شایان ذکر است اسامی کشورهایی که در این پژوهش آورده شده و همچنین نحوه مساعدت و همکاری آن‌ها با رژیم بعث عراق به لحاظ محدودیت حجم پژوهش، به‌عنوان نمونه بوده و بر همین اساس بسیار محدود و مختصر می‌باشد. برای اطلاعات بیشتر از نام کشورهای حامی رژیم بعث عراق و نحوه این همکاری رجوع نمایید به پژوهش: طرح تحقیقاتی پژوهشگاه دفاع مقدس تهران با عنوان «مسئولیت مدنی کشورهای حامی رژیم بعث عراق در جنگ تحمیلی» تحریر شده به قلم ایمان دهقانی دهج (۱۳۹۶).

با نگاهی به گزارش مجلس عوام در تاریخ ۲۶ ژوئیه ۱۹۸۷ (۱۳۶۶/۰۵/۲۰) بهتر به این موضوع پی برده می‌شود؛ در جلسه مذکور «رابین کریبت عضو حزب کارگر در مجلس عوام انگلیس سؤال نمود که آیا ممکن است فهرست کشورهای که از آموزش های نظامی انگلیس استفاده می‌کنند را نام ببرید؟! در فهرستی که بعداً در این خصوص منتشر شد نام کشور عراق نیز به چشم می‌خورد (زکوی، ۱۳۸۵: ۱۵۹)

۳-۱- واگذاری جنگ‌افزارهای هوایی

فروش و واگذاری هرگونه جنگ‌افزار هوایی از دیگر اشکال مساعدت و همکاری محسوب می‌شود. بدیهی است با توجه به نقش عمده‌ای که نیروی هوایی هر کشور در پیش‌برد یک جنگ دارد، تقویت و پشتیبانی جنگنده‌های کشور متخاصم می‌تواند یکی از مهم‌ترین اشکال مساعدت به حساب آید. برای ممنوعیت اعطای جنگ‌افزارهای هوایی علاوه بر قواعد و مقررات عامی که در مباحث قبلی ذکر گردید، می‌توان به ماده ۴۴ مقررات اساسنامه ۱۹۲۳ که توسط کمیته حقوق‌دانان در لاهه تهیه شده است اشاره نمود، این مقرره بیان می‌دارد: «دادن مستقیم و غیرمستقیم هواپیما، قطعات یدکی یا وسایل و تدارکات و مهمات توسط دولتی بی‌طرف به دولت متخاصم ممنوع می‌باشد». در همین راستا اگر قبل از بروز مخاصمات، دولتی با انعقاد قرارداد متعهد به فروش اقلام جنگی خاص به دولتی دیگر شده باشد، با شروع مخاصمات و درگیر شدن دولت اخیر در آن، اجرای تعهد مذکور باید متوقف گردد، زیرا صرف وجود قرارداد قبلی عذری موجهه در امتناع از اجرای تعهدات بی‌طرفی در مقابل طرف دیگر مخاصمه نخواهد بود، در غیراین صورت راه‌گریز از تعهدات بی‌طرفی بسیار ساده خواهد بود و این تعهدات که به نظر می‌رسد در زمره قواعد آمره باشند لوث می‌گردد (زمانی، ۱۳۸۰: ۶۵).

در زمینه جنگ‌افزارهای هوایی نیز بسیاری از کشورها در طول جنگ تحمیلی، تعهد بی‌طرفی خود را نقض نموده‌اند. از جمله شوروی که از میزان عصبانیت صدام به‌خاطر از دست دادن جزایر مجنون در عملیات خیبر مطلع بود، پیشنهاد فروش یک مجموعه عظیم سلاح را به دولت عراق تقدیم نمود. پیرو پیشنهاد مذکور، طه یاسین معاون اول صدام حسین، قرارداد دومیلیارد دلاری شوروی با عراق را در ۲۷ آوریل ۱۹۸۴ (اردیبهشت ۱۳۶۳) در سفر به مسکو امضا کرد (صالحی، ۱۳۹۱: ۱۰۰). بعد از آن دولت شوروی، اقدام به تحویل هلی‌کوپترهای توپدار، هواپیماهای میگ ۲۳ و میگ ۲۵ به دولت عراق نمود (سردارآبادی، ۱۳۸۱: ۴۳).

همچنین در قضیه سقوط فاو و تغییر وضعیت جنگ به نفع ایران، ۳۳ فروند جنگنده‌های میگ ۲۳، ۲۵ میگ و ۲۷ به دولت عراق تحویل داده شد. در همین زمینه، روزنامه «الخلیج» چاپ امارات اعلان داشت «عراق هواپیمای فوق‌پیشرفته میگ ۲۹ از شوروی دریافت کرده است» (درودیان، ۱۳۸۷: ۹۰). دولت آمریکا نیز در زمینه تسلیحات هوایی بارها به حزب بعث یاری رساند. از جمله در دسامبر ۱۹۸۲، ناو هواپیمابر آمریکایی، ۶۰ فروند هلی‌کوپتر پیشرفته را به مقصد عراق حمل نمود، دولت فرانسه نیز بعد از آن که متوجه شد ارتش رژیم بعث عراق توان پیش‌روی در خاک ایران را ندارد، در بهمن ۱۳۵۹ اقدام به واگذاری هواپیمای پیشرفته میراژ به دولت عراق نمود (صالحی، ۱۳۹۱: ۱۲۵).

۴-۱- واگذاری جنگ‌افزارهای دریایی

کشوری که دارای مرز آبی است، لزوماً باید در زمینه جنگ‌افزارهای دریایی نیز توانایی لازم را داشته باشد، زیرا این احتمال وجود دارد که حمله به ایشان از طریق دریا صورت گیرد و یا منافع آن‌ها در این خصوص به خطر افتد. بر همین اساس در مخاصمات مسلحانه بین دو کشور، واگذاری هرگونه جنگ‌افزارهای دریایی نیز مصادق مسلم نقض بی‌طرفی محسوب شده و مسئولیت آن دولت را به دنبال خواهد داشت. ماده ۱۶ کنوانسیون بی‌طرفی دریایی فوریه ۱۹۲۸^۱ در این خصوص بیان می‌دارد: «دادن کشتی جنگی، تجهیزات یا وسیله‌ای جنگی از هر قبیل به‌طور مستقیم و یا غیرمستقیم به هر عنوانی که باشد، توسط دولت بی‌طرف به طرف متخاصم ممنوع می‌باشد»^۲. در زمینه ارایه تسلیحات دریایی، نقش کشور انگلستان بسیار پررنگ می‌باشد؛ در واقع، کشور انگلستان با شروع جنگ تحمیلی رژیم بعث علیه جمهوری اسلامی ایران، اعلام بی‌طرفی نمود و به دنبال آن تمامی دفاتر خریدهای نظامی ایران در لندن را تعطیل نمود. اما اعلام این بی‌طرفی در حمایت‌های انگلستان از عراق تغییری ایجاد نکرد و ارسال کمک‌های این کشور به عراق به‌ویژه در زمینه تسلیحاتی افزایش یافت (قربانی، ۱۳۸۰: ۶۹). از دیگر کشورهای مطرح در این خصوص ایتالیا بود که طی قراردادی با دولت عراق، اجازه

1- Convention on Maritime Neutrality, Havana, 20 February 1928.

2- Art. 16. The neutral state is forbidden:

(a) To deliver to the belligerent, directly or indirectly, or for any reason whatever, ships of war, munitions or any other war material...

فروش و تحویل ۱۱ فروند کشتی جنگی را به ارزش حدود ۱/۸۰۰ میلیون دلار به دولت عراق را صادر نمود (صالحی، ۱۳۸۹: ۱۵۱).

۱-۵- واگذاری جنگ‌افزارهای زمینی

به‌مثابه ممنوعیت فروش و واگذاری جنگ‌افزارهای هوایی و دریایی، تدارک و تهیه هر نوع جنگ‌افزارهای زمینی نیز به دولت متجاوز ممنوع بوده، نقض بی‌طرفی محسوب شده و مسئولیت اشتقاقی دولت حامی را به دنبال خواهد داشت. براساس پیمان دوستی ۱۵ ساله‌ای که میان کشور عراق و شوروی در سال ۱۹۷۲ منعقد شده بود، شوروی تأمین‌کننده سلاح‌های اصلی عراق تبدیل شده بود و هیچ‌گاه این کمک‌ها را تحت‌الشعاع چرخش‌های سیاست دولت عراق قرار نداد، ازجمله بعد از سقوط فاو و احساس خطر روسیه از قدرت‌گیری ایران، ۲۰۰۰ دستگاه تانک از جمله ۸۰۰ دستگاه تانک فوق‌پیشرفته تی.۷۲ و همچنین ۳۰۰ فروند موشک زمین به زمین سکاپ.بی و اس.اس.۱۲ را به دولت عراق تحویل نمود (سردارآبادی، ۱۳۸۱: ۴۳).

اسپانیا نیز در چند وهله، اقدام به فروش و تحویل خودروهای سبک و سنگین نظامی به دولت عراق نمود. دولت برزیل نیز نفربرهای زرهی مجهز در اختیار دولت وقت عراق قرار داد (صالحی، ۱۳۹۱: ۱۳۷). کشور دانمارک نیز طی جنگ با دولت عراق همکاری‌های به‌عمل آورده است. ازجمله در تاریخ ۱۲ اوت ۱۹۸۱، نیروی دریایی ایران در مدخل ورودی تنگه هرمز، کشتی دانمارکی Elsa Cat را که تجهیزات نظامی به مقصد عراق حمل می‌کرد توقیف و عوامل آن را بازداشت نمود (ممتاز، ۱۳۷۳: ۱۰). دولت حسنی‌مبارک نیز مقادیر زیادی اسلحه به عراق صادر نمود، شایان ذکر است که بعد از این رویداد، صنعت نظامی مصر به‌طور قابل توجهی گسترش یافت. در همین جریان، ابوغزاله وزیر دفاع مصر طی مصاحبه‌ای با مجله هفتگی المصور چاپ قاهره بیان کرد: «مصر بدون مانع یا مذاکره‌ای به عراق اسلحه صادر کرده است؛ وی این اسلحه‌ها را شامل ارقامی دانست که مربوط به انبار استراتژیکی قوای مسلح مصر بوده است». وزیر دفاع مصر هنگامی که با اتهام کسب منفعت ارزی روبه‌رو شده بود؛ ضمن رد این اتهام بیان کرد: «اگر هدف کسب ارز بود به ایران اسلحه ارسال می‌کردیم، ولی ما این عمل را انجام نمی‌دهیم، چرا که اگر ایران در جنگ پیروز شود، امنیت ملی مصر با خطر روبه‌رو می‌شود». (احمدزاده، ۱۳۸۲: ۵۳).

۶-۱- اعطای تسهیلات مالی به کشورهای متخاصم

ماشین جنگ برای به حرکت درآمدن و ادامه فعالیت، هزینه‌های اقتصادی هنگفتی را به دنبال دارد. به‌ویژه در مورد جنگ‌هایی که فرسایشی شده و برای مدت زمان نسبتاً طولانی تداوم می‌یابند (زمانی، ۱۳۸۰: ۷۱). پیداشدن دست‌هایی که در زمینه مالی او را یاری برسانند، می‌تواند نقش موثری در برهم‌خوردن توازن جنگ بین طرفین داشته باشد. قوانین و مقررات گوناگونی در عرصه بین‌الملل، این نوع مساعدت را ممنوع ساخته‌اند. بر اساس ماده ۱۶ کنوانسیون بی‌طرفی دریایی ۲۰ فوریه ۱۹۲۸ «کشور بی‌طرف نمی‌تواند به نیروی متخاصم وام دهد یا اعتباراتی را برای آن در حین جنگ در نظر بگیرد»^۱. در فروردین ۱۳۶۱ آمریکا نام عراق را از کشورهای حامی تروریست پاک نمود و هم‌زمان سیل اعتبارات از سوی بانک بین‌الملل صادرات و واردات آمریکا روانه عراق گردید (صالحی، ۱۳۹۱: ۱۰۱)، در همین راستا دولت آمریکا ۴۰۰ میلیون ضمانت‌نامه بانکی برای صادرات به کشور عراق را تمدید اعتبار نمود (Stork et al., 1984: 45).

از دیگر کشورهایی که در زمان جنگ تحمیلی در زمینه وام و اعتبارات مالی به عراق کمک شایانی را نمودند دو کشور کویت و عربستان سعودی بودند. بخش عربی رادیو کویت در ساعت ۱۳:۳۰ مورخه ۱۳۵۹/۱۲/۰۳ از قول شیخ «سعدالله السالم مصباح» ولیعهد و نخست‌وزیر کویت اظهار داشت: «عراق در سرزمینی که متعلق به خودش نیست نمی‌جنگد و قصد ندارد به همسایه خود تجاوز کند، ولی متأسفانه اقدامات مسالمت‌آمیز عراق با شرایطی از طرف ایران روبه‌رو شد که کشور عربی و برادر عراق نمی‌تواند با آن موافقت کند، به هر حال کویت حاضر نیست موضع تماشاگر را نسبت به هرگونه تجاوز علیه هر کشور برادر در منطقه داشته باشد. عربستان سعودی نیز موضعی کاملاً مشابه کویت اتخاذ نمود». در همین راستا فهد شاه عربستان اظهار داشته است: «در اثنای جنگ هشت ساله رژیم بعث عراق علیه ایران، چیزی حدود ۲۷/۵ میلیارد دلار به عراق کمک کرده است» (روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۹/۱۰/۲۶). روسیه نیز در سال ۱۹۸۴ میلادی (۱۳۶۳ هجری شمسی)، با پرداخت دو میلیارد دلار وام به عراق

1- Convention on Maritime Neutrality, Havana, 20 February 1928, Art. 16. The neutral state is forbidden (b) To grant it loans, or to open credits for it during the duration of war.

موافقت نمود. مسئولان روسیه زمانی که با انتقاد دکتر ولایتی در حمایت روسیه از عراق قرار گرفتند بیان داشتند: «در صورتی که شما از مجاهدین افغانی حمایت نکنید، ما هم به عراق کمک نمی‌کنیم، این معامله خوبی است؛ آیا این طور نیست؟!» (ولایتی، ۱۳۷۶: ۱۲۵). همچنین روزنامه نیویورک تایمز در توجیه مواضع فرانسه در قبال جنگ رژیم بعث عراق علیه ایران نوشت: «فرانسه تنها کشوری نیست که نگران پیروزی ایران بر عراق و ایجاد بحران در منطقه خلیج فارس است؛ این کشور با وام‌های زیادی که به عراق داده، بیش‌ازپیش به اتحادی عمیق با عراق کشیده شده است، زیرا در صورتی که صدام حسین سقوط نماید، طلب‌های فرانسه از عراق، هرگز وصول نخواهد شد!!» (ربیعی، ۱۳۸۸: ۸۷).

۷-۱- جواز استفاده از مرزهای هوایی

دولت‌های بی‌طرف مکلفند مانع از آن شوند که نیروهای دول متخاصم آسمان آن‌ها را به‌منظور حمله به طرف مقابل به‌عنوان مسیری امن در بازگشت از حمله مورد استفاده قرار دهند. به همین خاطر در طول جنگ جهانی اول، دولت‌های بی‌طرف اروپایی عموماً قلمروء هوایی خود را به روی هواپیماهای دولت‌های متخاصم بستند و در مواردی بسیار با آتش گشودن به روی هواپیماهای نظامی که وارد قلمروء آن‌ها شده بودند، بر بی‌طرفی خود اصرار می‌ورزیدند. در حقیقت، دولت‌های بی‌طرف مکلفند از ورود هواپیماهای دول متخاصم به قلمروء هوایی خویش جلوگیری کرده و در صورت ورود، آن‌ها را مجبور به فرود نمایند. جنگ جهانی دوم موید این تعهد می‌باشد.

هر چند رویه دولت‌ها تفاوت‌هایی را از حیث شیوه اجرایی نشان می‌دهد، اما شکی وجود ندارد که کوتاهی دولت بی‌طرف در واکنش به نقض حریم هوایی خود به لحاظ سیاسی یا نظامی می‌تواند از جانب دول متخاصم به منزله نقض بی‌طرفی قلمداد گردد. دولتی که اجازه دهد سرزمینش برای تجاوز مورد استفاده‌ی دولت دیگر قرار گیرد، نمی‌تواند مدعی شود که وی قصد حمایت از تجاوز را نداشته است (زمانی، ۱۳۸۰: ۷۸). در واقع، هنگامی که یک دولت از حریم هوایی دولتی دیگر برای حمله به دولت ثالث استفاده می‌نماید و دولت سرزمینی هیچ اعتراضی نمی‌نماید، نوعی مساعدت ناشی از ترک فعل دولت سرزمینی محقق شده است (Aust et al., 2009: 10).

ترکیه یکی از کشورهایی بود که جواز عبور از مرزهایی هوایی خود را به عراق داده بود. ترکیه از آغاز جنگ رژیم بعث عراق علیه ایران همواره بر موضع بی طرفی خود اصرار داشت، با این حال شواهد زیادی وجود دارد که بیانگر عدم رعایت بی طرفی از جانب آن کشور می باشد، در این رابطه می توان به مواردی چون عکس العمل های ترکیه در قبال پیروزی نظامی ایران در غرب کشور و آزادسازی «حاج عمران» و «مهران» و تسلط بر ارتفاعات شمال عراق، عدم محکومیت عراق به دلیل استفاده از سلاح های شمیایی، موضع گیری انفعالی در جنگ نفت کش ها و همگامی ترکیه با نیروهای ناتو در خلال بحران خلیج فارس و از همه مهم تر در اختیار قراردادن مرزهای خود برای عراق بود. در حقیقت در طول جنگ، عراق بارها از حریم هوایی ترکیه برای ورود به کشور ایران و بمباران آن استفاده نمود (لاسجردی، ۱۳۸۰: ۲۴۶).

از دیگر کشورهایی که در زمینه مرزهایی هوایی کمک قابل توجهی را نمودند؛ کشور کویت بود. این همکاری ها بعد از عملیات والفجر به اوج خود رسید. یکی از خلبان هایی که در ایران دستگیر شد بیان کرده بود: «تمام حملات هوایی رژیم بعث عراق به کشتی ها بازرگانی و تأسیسات ساحلی ایران در خلیج فارس از طریق مسیری ترانزیتی به صورتی هماهنگ شده بود که در زمان پرواز هواپیماهای این رژیم بر فراز مرز هوایی کویت، نیازی به مبادله پیام های رادیویی وجود نداشته باشد» (زمانی، ۱۳۸۰: ۸۰).

۸-۱- جواز استفاده از مرزهایی دریایی

لازمه حفظ اصل بی طرفی آن است که کشورهای بی طرف اجازه استفاده و عبور از مرزهای دریایی خود را به کشورهای متخاصم ندهند. در واقع، اعطای این اجازه به منزله همکاری با کشور متخاصم و تسهیل انجام عمل متخلفانه بین المللی است. در این میان یکی از کشورهایی که حقیقتاً نقش مهمی و لجستیکی ایفا می نمود، کشور اردن بود. در واقع؛ اردن که از پس از پیروزی انقلاب اسلامی، روابطه حسنه ای با ایران نداشت، روابط بسیار نزدیکی با عراق برقرار کرده بود. پس از کنفرانس سران کشورهای عربی در بغداد و تونس، روابط بین عراق و اردن روزبه روز نزدیک تر و عمیق تر شد؛ تا آنجا که ملک حسین صراحتاً به نفع عراق و علیه ایران موضع گیری کرد. در طول هشت سال جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه ایران، بخش عمده ای از سیستم حمل و نقل به عراق از طریق اردن صورت می گرفت. در این چهارچوب شبکه ی حمل و نقل وسیعی بین دو کشور ایجاد شد و بندر عقبه این کشور برای حمل و نقل

سلاح و تجهیزات نظامی سبک و سنگین در اختیار عراق قرار گرفت. به استناد محققین، بخشی از سلاح‌هایی که به عراق حمل می‌شد از طریق بندر عقبه اردن صورت می‌گرفت (مصباحی، ۱۳۷۵: ۲۰۳).

۹-۱- جواز استفاده از پایگاه‌های نظامی

ممنوعیت استفاده از قلمرو دولت‌های بی‌طرف توسط دولت‌های متخاصم برای اهداف جنگی در اسناد بین‌المللی گوناگونی مورد تصریح واقع شده است. بر اساس مواد ۵ و ۱۰ کنوانسیون پنجم و مواد ۸ و ۲۵ کنوانسیون سیزدهم ۱۹۰۷، بر اساس تکلیف ممانعت، دولت بی‌طرف ملزم است که از استفاده متخاصمان از قلمروش برای اهداف جنگی جلوگیری نماید؛ در واقع دولت‌های بی‌طرف نباید نسبت به اعمال دولت متخاصم در قلمروشان که به وسیله حقوق بی‌طرفی ممنوع شده است، مسامحه روا دارند^۱ (زمانی، ۱۳۸۰: ۳۵).

بر طبق شواهد موجود، مدت‌ها قبل از جنگ رژیم بعث عراق علیه ایران، هواپیماهای جاسوسی آواکس آمریکایی که ظاهراً به بهانه دفاع از عربستان سعودی در پایگاه‌های نظامی عربستان مستقر شده بودند؛ اطلاعاتی در زمینه نقل و انتقالات نظامی در اختیار رژیم بعث عراق قرار می‌دادند^۲ (ولی پور، ۱۳۸۰: ۷۸). نامشروع بودن و محکومیت اعطای جواز استفاده از پایگاه‌های نظامی در رویه قضائی بین‌الملل نیز مورد توجه قرار گرفته است. در قضیه بمباران تریپولی توسط جنگنده‌های آمریکایی در آوریل ۱۹۸۶، لیبی بر این مبنا که بریتانیا اجازه داده است که چندین پایگاه هوایی‌اش توسط جنگنده‌های آمریکایی برای بمباران اهدافی در لیبی مورد استفاده قرار گیرند، آن کشور را مسئول این وقایع دانست و نسبت به طرح دعوا اقدام نمود. بریتانیا این ادعا را بر این اساس که حمله ایالات متحده اقدامی قانونی و به‌عنوان دفاع مشروع در برابر حملات تروریستی لیبی علیه اهداف آمریکایی صورت گرفته است، رد نمود. در این خصوص شورای امنیت قطعنامه‌ای در خصوص دولت آمریکا صادر نمود که با وتوی

۱- کنوانسیون پنجم لاهه و کنوانسیون سیزدهم هر دو در ۲۶ ژانویه ۱۹۱۰ لازم‌الاجرا گردیده‌اند؛ اما، ایران و عراق و بسیاری از کشورهای دیگر به عضویت این کنوانسیون‌ها درنیامده‌اند. با این حال این امر اهمیتی ندارد، زیرا این مقررات به دلیل تکرار، وجاهت عرفی یافته و به‌عنوان «حقوق بین‌الملل عرفی» برای دولت‌ها ایجاد التزام می‌نمایند (زمانی، ۱۳۸۰: ۳۶).

این کشور مواجهه شد. اما در نهایت مجتمع با صدور قطعنامه‌ای این حمله نظامی را به‌عنوان نقض منشور ملل متحد و حقوق بین‌الملل محکوم کرد و از همه دولت‌ها درخواست نمود که از «ارایه هر گونه کمک یا تسهیلات برای ارتکاب اعمال تجاوزکارانه علیه جمهوری عربی لیبی خودداری نمایند» (ابراهیم گل، ۱۳۸۸: ۱۱۷).

۱۰-۱- مساعدت و همکاری در بخش فنی و تکنولوژیکی

مقصود از کمک‌های فنی و تکنولوژیکی، آن دسته از اقداماتی است که در علوم مهندسی و توسط کارشناسان خبره این دسته از علوم صورت می‌گیرد. برای مثال کمک به طراحی و ساخت یک مرکز نظامی پیشرفته، همکاری و آموزش در ساخت انواع جنگ‌افزار اعم از زمینی، دریایی و هوایی از جمله مصادیق کمک‌های فنی و تکنولوژیکی شناخته شده و می‌توانند منجر به نقض اصل بی‌طرفی گردند. هیچ‌شکی وجود ندارد که ارایه کمک در ساخت یک جنگ‌افزار در داخل کشور متخاصم آثاری به مراتب زیان‌بارتر از فروش آن اسلحه به این کشور دارد؛ زیرا در حالتی که سلاح به یک کشور فروخته می‌شود، هر سلاح معمولاً عمر متعارفی دارد و کم‌کم کنار گذاشته می‌شود، از طرف دیگر برخی از انواع سلاح‌ها، بعد از هر بار استفاده نیاز به تعویض قطعاتی دارند که فقدان این قطعه آن کشور را با مشکل روبه‌رو خواهد کرد، اما در حالتی که علم تولید آن سلاح در داخل یک کشور متخاصم ایجاد شود، این بدان‌معناست که کشور مزبور در تولید و تکثیر این سلاح‌ها با محدودیت چندانی روبه‌رو نخواهد بود.

فرانسه نیز در ارایه کمک‌های فنی و تکنولوژیکی به دولت عراق نقش شایانی ایفا نمود. در سال ۱۳۶۳ فناوری تولید موشک‌های AS30L به دولت عراق واگذار گردید و این موشک‌ها با حجم انبوه در خاک عراق تولید می‌گردید. در همین سال ۱۰۰۰ تکنسین فرانسوی برای استقرار موشک‌های اگزوست بر روی کشتی‌ها وارد بغداد گردیدند (ربیعی، ۱۳۸۸: ۸۱). هم‌چنین عراقی‌ها با کمک فنی فرانسه توانستند هواپیمای آموزشی آلفاجت ۱۳۴ را در داخل خاک خود تولید نمایند. در مراحل پایانی دولت عراق با مساعدت طرف فرانسوی می‌توانست هواپیمای میراژ ۲۰۰۰ را به‌عنوان بمب افکن جدید که در ارتفاع پایین پرواز می‌کرد و دستگاه رادار آن می‌توانست دفاع هوایی را گمراه کند، تولید نمایند. احداث شبکه پناهگاه‌ای پرهزینه زیرزمینی بخش دیگری از تلاش‌های عراق بود که در سال ۱۳۶۱ با مشارکت مهندسان انگلیسی انجام شد (قربانی، ۱۳۸۰: ۶۹). یکی از مشاوران مهندس انگلیسی درباره کیفیت این

پناهگاه گفته است: «شرکت‌های انگلیسی طرحی ارائه کرده‌اند که طبق آن برای ۴۸۰۰۰ سرباز عراقی پناهگاه امن ساخته شده است».

۱۱-۱- مساعدت اطلاعاتی عملیاتی

از دیگر مواردی که می‌تواند تحت شرایطی به‌عنوان نقض اصل بی‌طرفی شناخته شود، کمک‌های اطلاعاتی و ماهواره‌ای به کشور متجاوز است. خدمات اطلاع‌رسانی مستقیم که مساعدت خصمانه محسوب می‌شود؛ عبارت از آن است که دولت بی‌طرف عالم‌اً و عامداً به جمع‌آوری اطلاعات مفید برای هدایت جنگ به نفع یکی از متخاصمان مبادرت ورزد. گرچه خدمات اطلاع‌رسانی در معاهدات و اعلامیه‌های راجع به بی‌طرفی ذکر نشده است؛ ولی مصادیق مذکور در آن اسناد نیز تمثیلی بوده و جنبه حصری ندارند. بدین‌لحاظ با توجه به تکلیف عام دولت بی‌طرف (خودداری و عدم‌جانبداری) باید بر آن بود که با توجه به پیشرفت‌های جدید و نیز سهم مهم اطلاعات در تحقق اهداف دولت‌های متخاصم، اطلاع‌رسانی به دولت متخاصم نیز نوعی کمک خصمانه محسوب شده و ممنوع می‌باشد (زمانی، ۱۳۸۰: ۷۶).

در طول دفاع مقدس، کشورهای زیادی با جمع‌آوری اطلاعات و اخبار به نفع حزب بعث و به‌طورکلی مساعدت‌های اطلاعاتی، بی‌طرفی خود را نقض نموده‌اند. کنت تیمرمن نویسنده آمریکایی در این خصوص می‌نویسد: «پیوند ماهواره‌ای در صدر موافقت‌های بلندمدت عراق و آمریکا بود، در مورد تحرکات نیروی هوایی ایران، اطلاعات با ارزشی در اختیار ارتش رژیم بعث عراق قرار می‌گرفت، این اطلاعات را آواکس‌های آمریکایی مستقر در ریاض به کمک پرسنل آمریکایی از منطقه نبرد جمع‌آوری می‌کردند، در همین راستا، مجتمع پیشرفته و پرهزینه‌ای در بغداد ساخته شد تا اطلاعات مستقیماً از ماهواره دریافت شود و پردازش بهتری از اطلاعات بر روی عکس صورت پذیرد» (تیمرمن، ۱۳۹۵: ۱۹۲). در سال ۱۹۸۶، هواپیماهای عراقی برای اولین بار جزیره سیری، تأسیسات نفتی جزیره خارک، نیروگاه برق نکا مازندران، هم‌چنین دفاع ضدهوایی تهران، محل تمرکز نیروها و مهمات در کردستان را با دقت زیاد بمباران نمودند، عملیات مزبور با حمایت‌های اطلاعاتی آمریکا صورت می‌گرفت (ولایتی، ۱۳۷۶: ۲۱۴). منابع اطلاعاتی انگلیس نیز با به‌دست‌آوردن اطلاعات تازه و به‌روز از نحوه خریدهای نظامی ایران آن را در اختیار عراق قرار می‌دادند (قربانی، ۱۳۸۰: ۶۹). سؤالی که در

این قسمت مطرح می‌شود آن است که آیا رکن مادی مسئولیت یعنی کمک و مساعدت لزوماً باید در قالب فعل صورت گیرد یا امکان ارتکاب آن به صورت ترک فعل هم وجود دارد؟ سؤال مزبور از این بابت حائز اهمیت است که در برخی از موارد، یک دولت به طور مثبت و مستقیم، اقدام به مساعدت و همکاری با دولت دیگر نمی‌نماید، بلکه اقدام مزبور توسط اتباع یک دولت مانند شرکت‌های خصوصی صورت می‌گیرد و دولت متبوع از آن جلوگیری نمی‌نماید.

ابتدائاً باید بیان کرد قاعده کلی در حقوق مسئولیت بین‌المللی آن است که یک عمل متخلفانه بین‌المللی از زمانی به یک دولت قابل انتساب است که توسط ارگان‌های دولتی^۱ یا ارکان تحت اقتدار موثر آن دولت^۲ انجام پذیرفته باشد (ملکی‌زاده، ۱۳۹۴: ۳۱). در پاسخ به مسأله مزبور برخی از نویسندگان در این خصوص بیان داشته‌اند: «مستنبط از ماده ۱۶ پیش‌نویس مسئولیت آن است که همکاری باید به صورت فعلی مثبت صورت گیرد، بنابراین تحریک فعالانه یا صرف ترک فعل (غفلت) برای احراز مسئولیت کافی نمی‌باشد» (Crawford, 2013: 405). در رویه قضائی نیز دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه اجرای کنوانسیون منع و مجازات نسل‌کشی بیان می‌دارد: «معاونت همواره مستلزم آن است که اقدامات مثبت برای ارایه کمک یا مساعدت به فاعل نسل‌کشی انجام شده باشد، به تعبیر دیگر، همکاری برخاسته از یک فعل است».

اما برخی دیگر از نویسندگان تفسیر مزبور را خلاف اطلاق ماده ۲ پیش‌نویس مسئولیت دانسته‌اند که بین فعل و ترک فعل هیچ تفاوتی قائل نشده است و بر همین اساس مساعدت ناشی از ترک فعل را ممکن می‌دانند (عزیزی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۱۵). به نظر می‌رسد دیدگاه اخیر بیش تر قابل دفاع می‌نماید و در تقویت آن می‌توان مواردی به شرح ذیل را بیان نمود:

۱- «ماده ۴ کمیسیون حقوق بین‌الملل ۲۰۰۱ با عنوان اقدام نهادهای یک دولت مقرر می‌دارد: «اقدام هر نهاد دولتی اعم از این که عهده دار وظایف تقنینی، اجرایی، قضایی یا غیر آن باشد صرفنظر از موقعیت آن در تشکیلات دولت و بدون توجه به وصف آن به عنوان نهاد حکومت مرکزی یا نهاد مربوط به واحد ملی دولت، طبق حقوق بین‌الملل اقدام دولت محسوب می‌گردد».

۲- «ماده ۸ کمیسیون حقوق بین‌الملل بیان می‌دارد: «رفتار شخص یا گروهی از اشخاص، به موجب حقوق بین‌الملل فعل دولت تلقی می‌شود، در صورتی که شخص یا اشخاص مزبور در انجام رفتار مزبور در واقع به دستور، تحت هدایت یا کنترل دولت عمل نمایند».

۱- با گسترش نظارت دولت در عرصه های مختلف در عصر جدید، دیگر تمایز میان اقدامات دولتی و بخش خصوصی کم اهمیت شده است، در نتیجه دولت بی‌طرف این وظیفه را برعهده دارد که اقدامات مناسبی را جهت منع افراد خصوصی تبعه خود از تهیه و ارسال لوازم و تسلیحات جنگی و دیگر مساعدت‌ها به طرفین متخاصم منع نماید. در حقیقت به واسطه نقش و کنترلی که دولت بر تجارت بین‌الملل تسلیحات ایفا می‌نماید، تمایز میان دولت و بخش خصوصی در ارایه تسلیحات نظامی کم‌رنگ شده است.

۲- بخشی از تسلیحات جنگی و به‌عبارت دیگر جنگ‌افزارها با ممنوعیت مطلق روبه‌رو شده و کلیه کشورها از تولید و استفاده آن علیه طرف مقابل منع شده‌اند که از آن جمله می‌توان سلاح‌های شیمیایی، انواع سلاح‌های هسته‌ای، بیولوژیک، هم‌چنین بمب‌های خوشه‌ای را نام برد.^۱ بنابراین دولت‌ها موظف هستند از صادرات این نوع از سلاح‌ها جلوگیری نمایند.

۳- این امر پذیرفته شده است که به مصالح دولت بی‌طرف است که مراقب اعمال و رفتار اتباع خصوصی خود باشد و اجازه ندهد از قلمرو و مرزهای کشورش برای استفاده علیه یکی از طرفین متخاصم استفاده شود (زمانی، ۱۳۸۰: ۷۰)؛ در غیر این‌صورت ممکن است دولت‌های متخاصم، عملیات مزبور را نقض بی‌طرفی از سوی این دولت انگاشته و به‌عنوان دشمن او را مورد حمله قرار دهند.

۲) رکن معنوی

رکن دیگر از ارکان مسئولیت اشتقاقی کشورهای حامی رژیم بعث عراق، رکن معنوی است. رکن مزبور به حدود آگاهی از ارتکاب تخلف بین‌المللی می‌پردازد. در واقع سؤال این است که کشورهای حامی رژیم بعث عراق تا چه حدی باید نسبت به اعمال دولت عراق آگاهی داشته باشند؟ در واقع آیا ایشان باید دقیقاً می‌دانستند که حزب بعث مرتکب تجاوز نسبت به کشور ایران شده است؟ نکته دیگر این‌که مساعدت و همکاری در چه بازه زمانی صورت گرفته است؟ در این خصوص می‌توان قائل به دو بازه زمانی شد: حالت اول، قبل از اعلان و آغاز جنگ از سوی رژیم بعث عراق است که چندان مورد توجه نمی‌باشد و خارج از بحث قرار

۱- در این خصوص رجوع نمایید به کنوانسیون منع گسترش، تولید، انباشت و بکارگیری سلاح‌های شیمیایی مصوب ۱۹۹۳، همچنین معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای ۱۹۶۸ مشهور به NPT

می‌گیرد^۱. حالت دوم، انواع مساعدت و همکاری‌های انجام شده بعد از آغاز جنگ و در طول آن یعنی دوران هشت ساله دفاع مقدس می‌باشد.

ماده ۱۶ کمیسیون حقوق بین‌الملل «آگاهی از شرایط فعل متخلفانه بین‌المللی» را شرط ایجاد مسئولیت دولت حامی (کمک‌کننده) دانسته است. باید اذعان داشت رکن ذهنی و حدود و ثغور آن یکی از چالش برانگیزترین ارکان مسئولیت ناشی از مساعدت بوده و مناقشات نظری مختلفی را پدیدآورده است^۲. برخی از نویسندگان برجسته حقوق بین‌الملل قائل بر آن هستند که کمیسیون حقوق بین‌الملل در بند چهارم شرح و تفسیر ماده ۱۶ بیان می‌دارد: «اگر دولت کمک یا مساعدت‌کننده از شرایطی که فرار است کمک یا مساعدت آن دولت به‌کار گرفته شود آگاه نباشد، هیچ‌گونه مسئولیتی نخواهد داشت، بنابراین رکن ذهنی ماده ۱۶ باید بدین نحو تفسیر شود که آن دولت (کمک‌کننده) نه‌تنها باید از دقیقاً از چگونگی وقوع تخلف آگاه باشد، بلکه کمک یا مساعدت برای وقوع تخلف بین‌المللی را نیز مورد قصد خویش قرار داده باشد (Crawford, 2013: 410).

اما در مقابل برخی دیگر از نویسندگان بیان داشته‌اند، چنین تفسیری از ماده ۱۶ نه‌تنها باعث کاسته شدن از حوزه مسئولیت ناشی از کمک یا مساعدت می‌گردد، بلکه نهاد مزبور را ناکارآمد و بی‌فایده خواهد کرد. از دیدگاه ایشان برای احراز مسئولیت دولت مساعدت‌کننده، همین بس که دولت مزبور از ارتکاب تخلفی بین‌المللی توسط دولت دیگر آگاه باشد (Orakhelashvili, 2010: 648). در مقام اجرای شرط مقرر در ماده ۱۶ در ارتباط با مسئولیت دولت‌های حامی رژیم بعث عراق، حتی اگر قائل بر آن باشیم که آگاهی دقیق از

۱- البته در این خصوص باید بیان کرد حتی در این حالت نیز می‌توان رکن ذهنی برخی از کشورها را به‌دست آورد. در حقیقت، عراق مدت‌ها قبل از جنگ برنامه‌ریزی نموده و به گفته برخی از کارشناسان تحرکاتی را آغاز کرده بوده است. قبلاً نیز بیان گردید، حتی اگر تاریخ انعقاد قرارداد قبل از ارتکاب تخلف بین‌المللی باشد، لزوماً اجرای آن بعد از ارتکاب تخلف باید متوقف گردد، در غیر این‌صورت دولت‌ها می‌توانند با توسل به این بهانه از اجرای مقررات بی‌طرفی طفره روند.

۲- برای دیدن تفصیل این نظریات رجوع نمایید به مقاله رکن ذهنی مسئولیت اشتقاقی دولت آمریکا در فروش و انتقال بمب‌های خوشه‌ای به دولت عربستان سعودی و استفاده از آن در جنگ علیه کشور یمن به قلم عزیزی و همکاران (۱۳۹۵).

کم‌وکیف یک عمل متخلفانه بین‌المللی، رکن ذهنی و شرط تحقق مسئولیت ناشی از مساعدت و همکاری است، می‌توان بیان نمود که وضعیت مزبور در خصوص بسیاری از کشورهای حامی رژیم بعث عراق، محقق شده است.

در حقیقت، نگاهی واقع‌بینانه نسبت به موضع‌گیری کشورهایی که بعد از آغاز جنگ و در طول آن نسبت به دولت عراق یاری رسانده‌اند، تاریخ انعقاد و اجرای قراردادهایی که بابت ارسال و تحویل سلاح به دولت عراق صورت گرفته است، اعزام نیروهای نظامی، حضور مستشاران نظامی این کشورها در عراق در طول جنگ تحمیلی، آموزش نیروهای نظامی کشور عراق از راه‌های گوناگون، بی‌تفاوتی و به تعبیر دیگر آزاد گذاشتن مرزهای هوایی برای عبور جنگنده‌های عراقی برای حمله به ایران و همچنین مسیری امن برای بازگشت در طول دوران جنگ تحمیلی، اجازه ترانزیت انواع تسلیحات نظامی از مرزی دریایی، مساعدت‌های اطلاعاتی در طول جنگ تحمیلی و ... حاکی از آن است که اقدامات دولت‌های مزبور کاملاً آگاهانه، هدفمند و در جهت مساعدت و یاری رساندن به یک عمل متخلفانه بین‌المللی (تجاوز) بوده است. به تعبیر دیگر در بسیاری از موارد این امر مسلم است که کشورهای مزبور با این که می‌دانسته‌اند دولت عراق یکی از مهم‌ترین قواعد بین‌المللی را نقض کرده است، با این حال نسبت بدان همکاری و مساعدت داشته‌اند.

۳- رکن قانونی

آخرین رکن از ارکان ایجاد مسئولیت اشتقاقی ناشی از مساعدت و همکاری، رکن قانونی آن است. بدین معنا که کشور مساعدت‌کننده باید هم‌زمان نسبت به تعهدی که نقض می‌نماید، ملزم باشد (Lanovoy, 2014: 157). بند ۲ ماده ۱۶ کمیسیون حقوق بین‌الملل ۲۰۰۱ در همین خصوص بیان می‌دارد: «فعل مزبور اگر توسط خود آن دولت هم ارتکاب می‌یافت، فعل متخلفانه بین‌المللی محسوب می‌شد». برای دریافت وجود رکن قانونی مزبور در ارتباط با کشورهای حامی رژیم بعث عراق در طول جنگ تحمیلی، باید نوع تخلف بین‌المللی انجام شده و تعهدات کشورهای مختلف نسبت به این قسم از مقررات را بررسی نمود. صدام حسین حدود پنج ماه قبل از تجاوز به خاک ایران، اعلام کرد سه شرط برای توقف حالت جنگ رژیم بعث عراق علیه ایران وجود دارد:

۱- بیرون رفتن بی‌قید و شرط ایران از جزایر تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی؛

۲- بازگردان نصف اروند رود به حالت پیش از ۱۹۷۵ میلادی (یعنی دادن تمام اروند رود به عراق)؛

۳- به رسمیت شناختن عربی بودن خوزستان (با نام جعلی عربستان).

هرچند که موارد مزبور همگی بهانه بودند و هدف اصلی صدام از حمله به ایران در واقع انهدام تمام کشور ایران بود و در درجه بعد اگر موفق به این کار نمی‌شد؛ تجزیه ایران را دنبال می‌کرد. چنانکه طه یاسین رمضان، معاون اول نخست وزیر عراق در شروع جنگ اعلام کرد: «این جنگ به پایان نخواهد رسید، مگر اینکه رژیم حاکم بر ایران به‌طورکلی منهدم شود» (رئیس، ۱۳۸۷: ۱). آرزویی واهی که صدام به تشویق و تحریک کشورهای غربی و همچنین برخی دولت‌های عربی منطقه در ذهن پرورانده بود و بعد از فقدان قبول شروط نامشروع مزبور از سوی ایران، مرتکب یکی از شدیدترین تخلفات بین‌المللی یعنی تجاوز و برهم زدن صلح و امنیت منطقه گردید.^۱

توضیح آن که در عرصه بین‌الملل، می‌توان دو نوع تعهد بین‌المللی را برای دولت‌ها در نظر گرفت: دسته اول تعهدات بین‌المللی قراردادی و دسته دوم تعهدات بین‌المللی غیرقراردادی هستند. تعهدات قراردادی ریشه در رضایت صریح دولت‌ها دارند و دولت‌ها با اعلام رسمی رضایت خویش، آن‌ها را می‌پذیرند، شکل اصلی این تعهدات در قالب توافقات است که نوعاً با نام معاهده شناخته می‌شود؛ این تعهدات قابل تقسیم به تعهدات دوجانبه یا چندجانبه می‌باشند. اما در مقابل، تعهدات بین‌المللی غیرقراردادی، ممکن است رضایت صریح دولت‌ها را دربر نداشته باشد، اما به دلیل ضرورت‌های بین‌المللی به‌گونه‌ای جدایی‌ناپذیر جزء تعهدات آن‌ها درآمده است، این تعهدات به‌گونه‌ای حالت تحمیلی بر دولت‌ها دارند، مهم‌ترین دلیل نیز آن این است که یک دولت یا نباید عضوی از جامعه بزرگ جهانی باشد و یا اگر قرار است عضو باشد چاره‌ای جز پذیرش آن‌ها وجود ندارد (راعی، ۱۳۸۷: ۱۶۹).

۱- سؤالی که در این خصوص مطرح می‌شود آن است که بر فرض محال که ادعاهای مزبور قابل پذیرش بوده باشند، آیا در جامعه بین‌المللی هر کشوری می‌تواند با توسل بدین بهانه‌ها، خود مجری مقررات بین‌المللی گردد؟ و آیا کشورهای دیگر نباید در راستای حفظ صلح و امنیت بین‌الملل، کشور متجاوز را از اقدام خود باز دارند یا حداقل کشور مزبور را در عمل متخلفانه بین‌المللی خود مساعدت نمایند؟»

قواعد ناظر به صلح و امنیت جهانی در دسته دوم تعهدات بین‌المللی قرار گرفته و لزوم رعایت آن برای همه اعضای جامعه بین‌المللی مسجل می‌باشد. ماده ۱ منشور ملل متحد در راستای یکی از مقاصد خود مقرر می‌دارد: «حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و بدین منظور به عمل آوردن اقدامات دسته جمعی موثر برای جلوگیری و برطرف کردن تهدیدات علیه صلح و متوقف ساختن هرگونه عمل تجاوز یا سایر کارهای ناقض صلح و فراهم آوردن موجبات تعدیل و حل و فصل اختلافات بین‌المللی یا وضعیت‌هایی که ممکن است منجر به نقض صلح گردد با شیوه‌های مسالمت‌آمیز و برطبق اصول عدالت و حقوق بین‌الملل»^۱. بند چهار ماده ۲ منشور نیز بیان می‌دارد: «کلیه اعضاء در روابط بین‌المللی خود از تهدید به زور یا استفاده از آن علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشوری یا از هر روش دیگری که با مقاصد ملل متحد مابینت داشته باشد، خودداری خواهند نمود». فصل هفتم منشور ملل متحد نیز به اقدامات لازم در مورد تهدید علیه صلح، نقض صلح و اعمال تجاوز پرداخته است. در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری تجاوز به عنوان یکی از جنایات در عرصه بین‌المللی مشمول ماده ۵ دیوان و داخل در صلاحیت آن قرار گرفته است. ماده ۱ پیمان بریان کلوگ (پیمان پاریس) ۲۷ اوت ۱۹۲۸ نیز تجاوز را غیرقانونی تلقی نموده است.

همچنین در خصوص بی‌طرفی می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- کنوانسیون پنجم لاهه مصوب ۱۹۰۷ به عنوان کنوانسیون بی‌طرفی؛

- کنوانسیون فوریه ۱۹۲۸ به عنوان کنوانسیون بی‌طرفی دریایی

از جمله این مقررات هستند و بر اساس مواد ۲ تا ۴ کنوانسیون بی‌طرفی و مواد ۱ تا ۵ کنوانسیون بی‌طرفی دریایی، ارتکاب اقدامات زیر از سوی متخاصمان ممنوع است:

۱- انتقال سربازان یا محمولات نظامی یا پرواز هواپیماهای نظامی بر فراز سرزمین بی‌طرف؛

1- «To maintain international peace and security, and to that end: to take effective collective measures for the prevention and removal of threats to the peace, and for the suppression of acts of aggression or other breaches of the peace, and to bring about by peaceful means, and in conformity with the principles of justice and international law, adjustment or settlement of international disputes or situations which might lead to a breach of the peace...»

- ۲- ایجاد ایستگاه‌های مخابراتی نظامی در سرزمین، بنادر یا آب‌های سرزمینی بی‌طرف یا استفاده نظامی از ایستگاه‌هایی که قبل از مخاصمه مسلحانه احداث شده باشد؛
- ۳- سربازگیری در سرزمین بی‌طرف؛
- ۴- ارتکاب اعمال خصمانه، شامل تصرف و اعمال حق تفتیش در آب‌های سرزمینی یک دولت بی‌طرف؛
- ۵- ایجاد دادگاه غنایم جنگی در سرزمین یا آب‌های سرزمینی بی‌طرف؛
- ۶- استفاده از بنادر یا آب‌های سرزمینی بی‌طرف به‌عنوان پایگاه عملیات دریایی بر ضد دشمنان خود.
- اما دولت‌های بی‌طرف نیز نسبت به طرفین متخاصم تکالیفی را بر عهده دارند:
- ۱- دولت بی‌طرف موظف است در صورت ضرورت با استفاده از زور، از اجرای فعالیت‌های مذکور، توسط دولت‌های متخاصم در سرزمین خود جلوگیری نماید. این امر شامل نصب قطعات یا تسلیح یا تبدیل کشتی‌هایی می‌شود که منظور از آن‌ها استفاده در عملیات خصمانه علیه دولتی باشد که کشور بی‌طرف با آن کشور در صلح به‌سر می‌برد.
- ۲- این دولت باید متخلفان را در سرزمین خود مجازات کند.
- ۳- این دولت نباید کشتی جنگی، مهمات یا سایر تدارکات نظامی را در اختیار یک طرف متخاصم قرار دهد، اما در غیر این موارد، تغییری در تجارت آن با دولت‌های متخاصم حاصل نخواهد شد (ماده ۶ کنوانسیون بی‌طرفی دریایی). نکته قابل توجه آن است که «نقض شدید و مستمر تکالیف یک دولت بی‌طرف به طرف متخاصم این حق را می‌دهد که آن دولت را خصم خود تلقی نماید» (راجرز و همکاران، ۱۳۸۲: ۱۷۹) و حتی اگر کشورهای حامی رژیم بعث عراق، به عضویت مقررات مزبور درنیامده باشند، با این حال جنبه لازم‌الاجرای آن‌ها به قوت خود باقی خواهد بود، زیرا این مقررات به دلیل تکرار، وجاهت عرفی یافته‌اند و به‌عنوان حقوق بین‌الملل عرفی برای دولت‌ها، ایجاد التزام می‌نمایند (زمانی، ۱۳۸۰: ۳۶). این در حالی است که دولت‌های مزبور نه تنها در راستای مقررات منشور ملل متحد، مانع از اقدامات دولت عراق (رژیم بعث) نشده، بلکه حتی مقررات بی‌طرفی در مخاصمات مسلحانه را نیز نادیده گرفته و به یاری کشور متجاوز شتافتند. بدیهی است تجمیع سه رکن قانونی،

مادی و ذهنی (معنوی) به‌منزله مسئولیت بین‌المللی اشتقاقی کشورهای حامی رژیم بعث عراق در جنگ تحمیلی علیه ایران می‌باشد.

نتیجه‌گیری

در دنیای کنونی بین‌المللی، ارتکاب اعمال متخلفانه‌ای که بیش از یک بازیگر در آن نقش دارند؛ افزایش یافته است. مسئولیت بین‌المللی اشتقاقی حالتی را بیان می‌دارد که بیش از یک دولت در ارتکاب فعل متخلفانه بین‌المللی نقش داشته‌اند، به بیان دیگر بیش از یک دولت مرتکب یک خطای بین‌المللی شده باشند. در این میان، یکی از مهم‌ترین و شایع‌ترین اشکال مسئولیت اشتقاقی، مسئولیت اشتقاقی ناشی از کمک یا مساعدت به دولت دیگری است، برخلاف مباشرت که مستلزم دخالت و ارتکاب مستقیم فعل متخلفانه است، در معاونت به شکل کمک یا مساعدت، دولت متخلف صرفاً نقش حامی و پشتیبان را ایفا می‌نماید ولی در جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، کشورهای بسیاری به دولت عراق کمک و مساعدت نمودند.

ارکان مسئولیت اشتقاقی دولت‌های حامی رژیم بعث عراق شامل سه رکن مادی، ذهنی (معنوی) و قانونی می‌باشد. منظور از رکن مادی، کمک و مساعدت دولت‌های حامی به کشور متجاوز است هر نوع عملی که زمینه ارتکاب تخلف را تسهیل نماید کمک و مساعدت به حساب می‌آید، ضمناً هیچ‌گونه محدودیتی در نوع کمک یا مساعدت وجود نخواهد داشت. در طول جنگ تحمیلی رکن مادی مسئولیت اشتقاقی کشورهای حامی رژیم بعث عراق به اشکال گوناگونی پدیدار گشته است. جذب نیرو به نفع دولت متجاوز، آموزش و سازماندهی نیروهای کشور متجاوز، واگذاری (فروش و انتقال) انواعی جنگ‌افزارهایی هوایی، دریایی و زمینی، اعطای تسهیلات مالی به کشورهای متخاصم، اجازه استفاده از مرزها و پایگاه‌های نظامی، مساعدت اطلاعاتی عملیاتی و همچنین ارائه مساعدت‌های فنی از جمله مهم‌ترین این موارد می‌باشند.

رکن دیگر از ارکان مسئولیت اشتقاقی کشورهای حامی رژیم بعث عراق، رکن معنوی است. رکن مزبور به حدود آگاهی از ارتکاب تخلف بین‌المللی می‌پردازد. رکن ذهنی و حدود و ثغور آن یکی از چالش‌برانگیزترین ارکان مسئولیت ناشی از مساعدت بوده است. مشاهده گردید که در مقام اجرای شرط مقرر در ماده ۱۶ در ارتباط با مسئولیت دولت‌های حامی رژیم بعث

عراق، حتی اگر قائل بر آن بود که آگاهی دقیق از کم و کیف یک عمل متخلفانه بین‌المللی، رکن ذهنی و شرط تحقق مسئولیت ناشی از مساعدت و همکاری است، می‌توان گفت وضعیت مزبور در خصوص بسیاری از کشورهای حامی رژیم بعث عراق، محقق شده است. رکن دیگر و آخرین رکن از ارکان ایجاد مسئولیت اشتقاقی ناشی از مساعدت و همکاری، رکن قانونی آن است. بند دوم ماده ۱۶ کمیسیون حقوق بین‌الملل ۲۰۰۱ مقرر می‌دارد: «فعل مزبور اگر توسط خود آن دولت هم ارتکاب می‌یافت، فعل متخلفانه بین‌المللی محسوب می‌شد». واکاوی نوع تخلف بین‌المللی انجام شده و تعهدات کشورهای مختلف نسبت به این قسم از مقررات حاکی از آن است که رکن قانونی مسئولیت بین‌المللی اشتقاقی کشورهای حامی رژیم بعث عراق نیز به قوت خود موجود است، قواعد ناظر به صلح و امنیت جهانی در دسته تعهدات بین‌المللی غیرقراردادی قرار گرفته و لزوم رعایت آن برای همه اعضای جامعه بین‌المللی مسجل می‌باشد. ماده ۱ منشور ملل متحد بند چهار ماده ۲ منشور فصل هفتم منشور ملل متحد در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری تجاوز به عنوان یکی از جنایات در عرصه بین‌المللی مشمول ماده ۵ دیوان و داخل در صلاحیت آن قرار گرفته است. ماده ۱ پیمان بریان کلوگ (پیمان پاریس) ۲۷ اوت ۱۹۲۸ نیز تجاوز را غیرقانونی تلقی نموده است. کنوانسیون پنجم لاهه مصوب ۱۹۰۷ به‌عنوان کنوانسیون بی‌طرفی و کنوانسیون فوریه ۱۹۲۸ به‌عنوان کنوانسیون بی‌طرفی دریایی از جمله این مقررات هستند. مشاهده گردید که در جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه ایران، حتی اگر کشورهای حامی رژیم بعث عراق، به عضویت مقررات مزبور درنیامده باشند، با این حال جنبه لازم‌الاجرائی آن‌ها به قوت خود باقی خواهد بود، زیرا این مقررات به دلیل تکرار، وجاهت عرفی یافته‌اند و به‌عنوان حقوق بین‌الملل عرفی برای دولت‌ها ایجاد التزام می‌نمایند.

منابع و مأخذ

الف) منابع فارسی

- ابراهیم گل، علیرضا (۱۳۹۴). مسئولیت بین‌المللی دولت، متن و شرح مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل، چاپ هفتم، تهران: نشر شهر دانش.
- احمدزاده، داوود (۱۳۸۲). «نقش مصر در جنگ ایران و عراق»، مجله مطالعات دفاعی و امنیتی، شماره ۳۵، صص ۴۹-۶۰.
- اخوی (۱۳۸۱). «بی‌طرفی در جنگ بین دو یا چند کشور»، مجله مجموعه حقوقی، شماره ۱۲۴، صص ۹۹۶-۹۹۵.
- بهرامی‌احمدی، حمید (۱۳۸۸). حقوق مدنی ۴، مسئولیت مدنی، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- تیمرمن، کنت آر (۱۳۹۵). سوداگری مرگ، غرب چگونه عراق را مسلح ساخت؟ ترجمه احمد تدین، چاپ چهارم، تهران: نشر مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- دفتر سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (۱۳۶۷). گذار از بحران ۶۷، چاپ اول، تهران: انتشارات دفتر سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
- راجرز، مالرب؛ آنتونی، پل (۱۳۸۲). قواعد کاربردی حقوق مخاصمات مسلحانه، ترجمه کمیته ملی حقوق بشر دوستانه، چاپ اول، تهران: نشر امیرکبیر.
- راعی، مسعود (۱۳۸۷). «جمهوری اسلامی ایران و تعهدات بین‌المللی؛ چالش‌ها و راهکارها»، مجله حکومت اسلامی، شماره ۴۹، صص ۲۱۶-۱۹۳.
- ربیعی، زهرا (۱۳۸۸). «بررسی مواضع فرانسه در قبال جنگ تحمیلی»، مجله نگین ایران، دوره ۸، شماره ۳۱، صص ۹۴-۷۱.
- روسو، شارل (۱۳۶۹). حقوق مخاصمات مسلحانه، جلد اول، چاپ اول، تهران: نشر دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی.
- رئیسی، علی‌اکبر (۱۳۸۷). بهانه‌های صدام در حمله به ایران، تهران: پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس.
- زرگوش، مشتاق (۱۳۸۹). مسئولیت مدنی دولت، قواعد عمومی، ساختار و ارکان، جلد اول، چاپ اول، تهران: نشر میزان.

- زکوی، فرض‌علی (۱۳۸۵). مواضع اروپا در قبال جنگ ایران و عراق، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- زمانی، سیدقاسم (۱۳۸۰). تأملی بر رعایت حقوق بی‌طرفی در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، چاپ اول، تهران: نشر مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- ستایش‌پور، محمد؛ عابدینی، عبدالله (۱۳۹۵). «استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی علیه ایران در جنگ تحمیلی، مسئولیت اشتقاقی ایالات متحده آمریکا»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال هفدهم، شماره ۵۰، صص ۱۶۸-۱۴۳.
- سردارآبادی، خلیل‌الله (۱۳۸۱). «بررسی تطبیقی مواضع آمریکا و شوروی در قبال جنگ ایران و عراق»، مجله مطالعات دفاعی و امنیتی، شماره ۳۱، صص ۶۶-۳۵.
- صالحی، حمید (۱۳۹۱). نقش قدرت‌های بزرگ در جنگ عراق علیه ایران، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- عزیزی، ستار؛ کریمی، سیامک (۱۳۹۵). «مسئولیت بین‌المللی اشتقاقی ناشی از کمک یا مساعدت با تأکید بر قضیه کاربرد مهمات خوشه‌ای در یمن»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال هجدهم، شماره ۵۱، صص ۱۳۴-۱۰۹.
- عمید، حسن (۱۳۷۴). فرهنگ عمید، چاپ سوم، تهران: نشر چاپخانه سپهر.
- قربانی، قدرت‌الله (۱۳۸۰). «کمک‌های قدرت‌های بزرگ به عراق در جنگ هشت ساله، زمینه‌ساز حمله عراق به کویت»، مجله نگاه، سال دوم، شماره‌های ۱۶-۱۵.
- لاسجردی، حسن (۱۳۸۰). «بررسی نقش و مواضع ترکیه در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران»، مجله مطالعات خاورمیانه، شماره ۲۶، صص ۲۶۸-۲۲۷.
- مستقیمی، بهرام؛ طارم‌سری، مسعود (۱۳۷۷). مسئولیت بین‌المللی دولت با توجه به تجاوز عراق به ایران، چاپ اول، تهران: نشر انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- مصباحی، محی‌الدین (۱۳۷۵). «اتحاد جماهیر شوروی و جنگ ایران و عراق، چارچوب‌ها و اهداف»، مجله سیاست دفاعی، شماره ۱۵ و ۱۶، صص ۱۸۴-۱۴۶.
- معین، محمد (۱۳۷۵). فرهنگ فارسی متوسط، جلد سوم، چاپ نهم، تهران: نشر چاپخانه سپهر.
- ملکی‌زاده، امیرحسین (۱۳۹۴). مسئولیت بین‌المللی دولت، چاپ اول، تهران: نشر مجد.

- ممتاز، جمشید (۱۳۷۳). «حقوق جنگ دریایی و عملکرد جمهوری اسلامی ایران در طول جنگ ایران و عراق»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۳۲، صص ۱-۲۶.
- ولایتی، علی‌اکبر (۱۳۷۶). تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، تهران: نشر دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ولی‌پور زرومی، سیدحسین (۱۳۸۰). «تحلیل سطح توانمندی نظامی ایران و عراق در جنگ تحمیلی»، مجله سیاست دفاعی، شماره ۳۴، صص ۷۳-۹۰.

(ب) منابع انگلیسی

- Aust, Helmut Philipp (2011). *Complicity and the Law of Stat Responsibility*, Cambridge, Cambridge University Press.
- Brownlie, Ian (1956). «Volunteers and the law of war and neutrality», *International and Comparative Quarterly* volume 5, Issue 04, pp 570 -580.
- Crawford, James (2002). *The International Law Commissions' Articles on State Responsibility*, First Published, London, Cambridge University Press.
- Crawford, James (2013). *State Responsibility, The General Part*, First Published, London, Cambridge University Press.
- Gal or, Noemi and Ryngaert, Gedric and Noortmann, Math (2013). *Responsibilities of the Non State Actor in Armed Conflict and the Market Place*, Brill Nijhoff, Leiden Boston.
- Jackson, Miles (2015). *Complicity In International Law*, First Published, London, Oxford University Press.
- Lanovoy, Vladyslav (2014). *Complicity in an Internationally Wrongful Act*, In Nollkaemper, Andre, Plakokefalos, Ilias, *Principle of Shared responsibility in International Law, an Appraisal of the State of the Art*, Cambridge.
- Nollkaemper and Plakokefalos, Andrew and Ilias (2014). *Principles of Shared Responsibility in International Law*, First Published, Cambridge University Press.

- Orakhelashvili, Alexander (2010). Division of Reparation between Responsible Entities, in; Crawford, James and Pellet, Alain and Olleson, Simon, the Law of International Responsibility, Oxford, Oxford University Press.
- Reed, Lucy (2011). «Assessing civil liability for harms to women during armed conflict: the ruling of the Eritrea _ Ethiopia claims commissions, Wis. Int'l LJ, 11, 589-605.
- Shiner, Phil, and Andrew Williams (2008). The Iraq War and international law, North America (US and Canada), Hart publishing.